



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 31. No 1. Spring 2024

Received date: 2023.09.26

Acceptance date: 2024.04.09



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1403.31.1.3.3

Oman in China's Middle East Policy: New Classical Realism Analysis

Hanife Rigi¹, Tohid Hashemi²



Abstract

This article analyzes the domestic and international roots of the Oman's position in China's Middle East foreign policy. China considers Oman as one of the most important Middle Eastern countries that supplies energy to Beijing. Based on the neoclassical realist point of view, China's expanding relations with Oman are influenced by system-level variables and domestic factors. At the system level, the competition between China and The United States is one of the most significant factors has impacted on the China's Middle East foreign policy. The decline of the US presence in the Middle East region, as well as China's economic growth which requires access to energy resources and markets, and the protection of Beijing's strategic interests, has made Oman's position in China's Middle East policy prominent. At the same time, at the domestic level, internal factors influenced by the Chinese worldview have formed China's Middle East strategy regarding Oman. Oman, with its strategic geographical location and a history of collaborative relations, has emerged as a key partner for China in the Middle East. Serving as a crucial link in China's ambitious Belt and Road Initiative, Oman facilitates the connection between Asia, Europe, and Africa through various infrastructure projects and investments.

Keywords: Neoclassical Realism, China's Middle East Policy, Belt and Road Initiative, Oman.

1 - Assistant Professor, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

2 - Master's degree, Regional Studies, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۱، شماره ۱، پیاپی (۱۱۵)، بهار ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۱

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۳.۳۱.۱.۳.۳

نوع مقاله: پژوهشی

عمان در سیاست خاورمیانه چین: تحلیل رئالیستی نئوکلاسیک

حنیفه ریگی^۱، توحید هاشمی^۲



چکیده

مقاله حاضر به تجزیه و تحلیل ریشه‌های داخلی و بین‌المللی شکل‌گیری سیاست خاورمیانه چین و جایگاه عمان در آن می‌پردازد. بر این اساس و از دیدگاه رئالیستی نئوکلاسیک، روابط رو به گسترش چین با عمان تحت تأثیر متغیر سطح سیستم و عوامل داخلی است. در سطح سیستم، با کاهش حضور ایالات متحده در منطقه خاورمیانه و نیز رشد اقتصادی چین و نوسازی آن که مستلزم دسترسی به منابع انرژی، بازارها و همچنین حفاظت از منافع استراتژیک خود است، جایگاه عمان را در سیاست خاورمیانه‌ای چین برجسته کرده است. همزمان با آن در سطح داخلی، عوامل داخلی موثر بر شکل‌گیری سیاست خارجی چین که خود بازتاب‌دهنده جهان‌بینی چینی است، بر استراتژی خاورمیانه‌ای چین در خصوص عمان اثرگذار بوده است. موقعیت جغرافیایی ممتاز عمان و سابقه همکاری‌های تاریخی این کشور را به یکی از شرکای کلیدی چین در خاورمیانه تبدیل کرده است. عمان یک حلقه حیاتی در ابتکار کمربند و جاده چین است که هدف آن اتصال آسیا، اروپا و آفریقا از طریق پروژه‌های زیرساختی و سرمایه‌گذاری است. **واژگان کلیدی:** رئالیسم نئوکلاسیک، سیاست خاورمیانه‌ای چین، ابتکار کمربند و جاده، عمان.

hrigi@ut.ac.ir

۱ - استادیار دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲ - (نویسنده مسئول) کارشناسی ارشد، مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

tohid.hashemi@gmail.com

مقدمه

ظهور مجدد چین به عنوان یک قدرت جهانی یکی از مهم ترین تحولات قرن بیست و یکم بوده است. نفوذ اقتصادی، سیاسی و نظامی این کشور در سراسر جهان گسترش یافته و بر مناطق و مسائل مختلف تأثیر گذاشته است. یکی از مناطقی که توجه چین را به خود جلب کرده، خاورمیانه می باشد، منطقه ای استراتژیک و ناآرام که سرشار از منابع انرژی و در عین حال آبستن حوادث مختلف است. افزایش نقش و حضور چین در خاورمیانه پیامدهایی بر روابط این کشور با دیگر قدرت های بزرگ مانند ایالات متحده، روسیه و اتحادیه اروپا و همچنین برای ثبات و امنیت خود منطقه دارد. با این حال، رویکرد چین به خاورمیانه یکپارچه یا یکسان نیست. چین بسته به عوامل و شرایط مختلف، منافع و سیاست های متفاوتی در قبال کشورهای منطقه دارد. یکی از کشورهایی که در استراتژی خاورمیانه چین برجسته هست عمان است، کشوری کوچک اما تأثیرگذار که موقعیت کلیدی در شبه جزیره عربستان و اقیانوس هند را به خود اختصاص داده است. عمان روابط دوستانه و همکاری با چین را برای دهه ها حفظ کرده که قدمت آن به دوران باستان جاده ابریشم باز می گردد. عمان همچنین یکی از منابع اصلی واردات نفت چین و یک شریک حیاتی در طرح بلندپروازانه کمربند و جاده چین است که هدف آن اتصال آسیا، اروپا و آفریقا از طریق زیرساخت ها و شبکه های تجاری است. بر این اساس سوال اصلی مقاله حاضر این است که محرک های داخلی و عوامل تعیین کننده بین المللی رفتار چین در قبال عمان چیست؟ این مقاله با استفاده از چارچوب نظری رئالیسم نئوکلاسیک به دنبال پاسخ به آن است. ساختار مقاله به این صورت می باشد: نخست، ادبیات پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد. در بخش دوم چارچوب نظری رئالیسم نئوکلاسیک به بحث و بررسی گذاشته می شود، در بخش سوم مروری تاریخی بر روابط چین و عمان ارائه و سیر تحول روابط دو کشور را از دوران باستان تا امروز دنبال می کند. بخش چهارم متغیر سطح سیستمی، یعنی محیط بین المللی و تأثیر آن بر منافع و رفتار چین در خاورمیانه را تحلیل می کند. در ادامه این بخش، متغیرهای داخلی چین در دو بخش بررسی می شود: اول، اهمیت عملکرد حزب کمونیست چین به منظور پاسخگویی اقتصادی به مردم چین؛ و دوم، جهان بینی چینی در سه ویژگی یعنی نقش تاریخی چین، مسئله قرن تحقیر و ویژگی های فرهنگی. بخش پنجم، سیاست خارجی چین در خاورمیانه و موقعیت عمان را در سه موضوع اساسی انرژی و ابتکار کمربند و جاده و همکاری های نظامی مورد بحث قرار می دهد و در نهایت، این نوشتار با نتیجه گیری به پایان می رسد.

۱. ادبیات پژوهش

در بررسی روابط چین و عمان می‌توان به برخی آثار در این خصوص اشاره کرد که عموماً مولفه‌هایی نظیر انرژی و طرح یک کمربند یک جاده را در سیاست خاورمیانه‌ای چین مورد ارزیابی قرار داده‌اند؛ به‌عنوان نمونه مقاله چازیزا^۱ (۲۰۱۹) با عنوان نقش مهم عمان در ابتکار راه ابریشم دریایی چین بررسی می‌کند که چگونه موقعیت استراتژیک، انرژی و سیاست خارجی مستقل عمان، آن را به شریکی جذاب برای چین در ساخت و تحقق MSRI تبدیل می‌کند. همچنین چالش‌ها و فرصت‌های عمان را مورد بحث قرار می‌دهد تا از حضور رو به رشد چین در منطقه برای تبدیل خود به مرکز تجارت و تولید جهانی استفاده کند. پژوهش چین-کای چن^۲ (۲۰۲۰) با عنوان چین در خاورمیانه: تحلیلی از دیدگاه نظری «وابستگی مسیر» روابط چین با خاورمیانه را از منظر نظری «وابستگی به مسیر» تحلیل می‌کند که نشان می‌دهد ترویج «پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز» توسط چین از دهه ۱۹۵۰، مسیری را برای چین ایجاد کرده که باید طی کند؛ طی آن به کشورهای دیگر از جمله کشورهای خاورمیانه، علیه مداخله‌گرایی و امپریالیسم وعده داده است. این مقاله استدلال می‌کند که چین علی‌رغم منافع اقتصادی رو به رشد خود در منطقه، از قاطعیت سیاسی بیش از حد در امور خاورمیانه خودداری کرده و خواهد کرد. ناصر التمیمی^۳ (۲۰۱۹) در پژوهشی برای شورای روابط خارجی اروپا با عنوان سیاست خاورمیانه چین: تأثیر ابتکار کمربند و جاده بر عمان بررسی می‌کند که چگونه BRI چین بر توسعه اقتصادی، سیاست خارجی و نقش منطقه‌ای عمان تأثیر گذاشته است. این نوشته استدلال می‌کند که عمان از سرمایه‌گذاری‌های چین در زیرساخت‌ها، انرژی و تجارت و همچنین از موضع بی‌طرف چین در قبال درگیری‌های منطقه‌ای سود برده است. همچنین نشان می‌دهد که عمان می‌تواند نقش سازنده‌ای در تسهیل تعامل چین با سایر کشورهای خاورمیانه، به‌ویژه کشورهای درگیر در بحران خلیج فارس داشته باشد. پژوهش حاضر ضمن توجه و بهره‌گیری از تحقیقات انجام شده، از حیث توجه به فرایندهای داخلی شکل‌گیری سیاست خارجی چین به‌ویژه تاریخ و جهان‌بینی چینی و تحلیل آن در کنار متغیر سطح سیستم دارای متمایز است.

1 - Mordechai Chaziza

2 - Chien-Kai Chen

3 - Nasser Al-Tamimi

۲. چارچوب نظری

رنالیسم در چشم‌انداز کلان به روابط بین‌الملل، تحلیل‌های خود را به یک تصویر به‌عنوان تنها عامل تعیین‌کننده سیاست بین‌الملل محدود نکرده و تحت رویکردهای متعددی تقسیم‌بندی شده است (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۹-۱۱). کنت والتز در انسان، دولت و جنگ (۲۰۰۱) سه سطح تحلیل فرد، دولت و نظام بین‌الملل را به‌عنوان عوامل موثر بر مبارزه برای قدرت در روابط بین‌الملل توصیف می‌کند (Waltz, 2001). با اعمال منطق والتز در اردوگاه رنالیسم، دسته‌بندی‌های مشخصی را می‌توان شناسایی کرد. برای مثال در رنالیسم کلاسیک تمرکز اساسی بر روی سطح تحلیل اول یعنی فرد و طبیعت انسان بر رفتار روابط بین‌الملل قرار دارد. در این نظریه طبیعت انسان ذاتاً شرور و بدون تغییر انگاشته می‌شود. از آنجایی که رئالیست‌های کلاسیک منبع اصلی درگیری‌ها و مبارزه برای قدرت بین افراد و دولت‌ها را در طبیعت انسانی قرار می‌دهند، برای آنها تأثیر محیط آنارشیکی روابط بین‌الملل یک عامل ثانویه است. بر خلاف آنها، محققان نورئالیست نقش تعیین‌کننده منابع انسان شناختی و سطح واحد سیاست جهانی را انکار می‌کنند و تأکید اولیه بر متغیرهای سطح سیستم دارند (Feng&Ruizhuang, 2006: 115). نورئالیسم بر اساس یک اصل نظم بخش، مانند هرج و مرج و توزیع مشخص قدرت، ساختار نظام بین‌الملل را ارزیابی می‌کند و معتقد است به دلیل فقدان اقتدار مرکزی فراگیر برای تامین امنیت واحدها، دولت‌ها سعی در تامین اهداف و امنیت خود دارند که منجر به خودیاری می‌شود. در این دیدگاه اهمیتی به طبیعت بشر داده نمی‌شود بلکه قدرت‌طلبی نیز عمدتاً از موضع تامین امنیت مورد تأکید است (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۲۴). رنالیسم کلاسیک و نورئالیسم سعی در توضیح پدیده‌های بین‌المللی دارند و نه لزوماً سیاست خارجی؛ این نظریه‌ها برای تحلیل سیاست خارجی طراحی نشده‌اند، حتی اگر بتوان از آنها فرضیاتی در این زمینه استنباط کرد. اما رنالیسم نئوکلاسیک اساساً در مورد سیاست خارجی نظریه‌سازی می‌کند و سعی در تفسیر دلایل رفتار واحدها دارد (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۳۱). رنالیسم نئوکلاسیک بر پایه فرضیات اصلی جهان‌بینی رئالیستی، نظریه‌ای را ارائه می‌دهد که عوامل داخلی و سیستمی را همزمان در بررسی سیاست خارجی لحاظ می‌کند و بر اهمیت عوامل سطح دوم (دولت‌ها) و سطح سوم (نظام بین‌الملل) می‌افزاید. این اصطلاح اولین بار توسط گیدئون رز معرفی شده است (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۳۱). رنالیسم نئوکلاسیک تلاشی برای تلافی تأکید نورئالیسم بر دقت علمی و تقدم علمی نظام بین‌الملل با توجه به نهادهای سطح داخلی، مشکلات ادراک و نگرانی‌های رهبری است که

به رئالیسم کلاسیک مربوط می‌شود. با در نظر گرفتن نورئالیسم به‌عنوان نقطه عزیمت خود، رئالیست-های نئوکلاسیک معتقد هستند که دولت‌ها در درجه اول به محدودیت‌ها و فرصت‌های نظام بین‌الملل در هنگام اجرای سیاست‌های خارجی و امنیتی خود پاسخ می‌دهند، اما پاسخ آنها مشروط به عوامل سطح واحد، مانند روابط دولت-جامعه، ماهیت رژیم‌های سیاسی داخلی آنها، فرهنگ استراتژیک و ادراک رهبران است (Ripsman, 2017). رئالیسم نئوکلاسیک نشان‌دهنده تأکید دارد که رویکرد آن نشان‌دهنده بهبود قابل توجهی در رویکردهای موجود در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی با در نظر گرفتن عوامل سطح داخلی است. بنابراین رئالیسم نئوکلاسیک نشان‌دهنده تلاشی است برای بازگرداندن رئالیسم ساختاری به ریشه‌های کلاسیک خود، بدون از دست دادن نوآوری‌های مهم و دقت علمی که والتز به رئالیسم وارد کرد. این توجه رئالیسم کلاسیک به سیاست و نهادهای داخلی و تأکید آن بر کیفیت دیپلماسی به‌عنوان ابزاری برای توضیح انتخاب‌های امنیتی خارجی دولت‌ها را احیا می‌کند (Ripsman, 2017).

۳. تاریخ روابط چین و عمان

چین و عمان از قرن‌ها پیش با یکدیگر در تعامل بوده‌اند. بر همین اساس می‌توان روابط دو جانبه بین مسقط و پکن را به دو مرحله تقسیم نمود: نخست، دوران باستان که روابط مبتنی بر تجارت سستی بود. اولین سابقه ارتباط بین چین و عمان به سلسله هان بر می‌گردد؛ دوره‌ای که کالاهای چینی به صحار فروخته می‌شد. بازرگانان چینی سفر به عمان را در قرن پنجم میلادی آغاز کرده بودند و بازرگانان عمانی نیز در گوانگژو مشغول به تجارت بودند. کشتی‌سازی و دریانوردی عمان در دوران باستان بسیار مشهور بود، کشتی‌سازی بدون میخ و با استفاده از ابزارهای طبیعی نظیر الیاف درختان خاص عمانی‌ها بود. در عصر طلایی روابط سستی دو کشور از قرن هشتم تا پانزدهم، کشتی‌های ساخته شده در مسقط می‌توانستند بارهای ۳۰۰ تا ۶۰۰ تُن را حمل کنند. در این دوره دریانوردان عمانی با عبور از اقیانوس هند و سپس دور زدن تنگه مالاکا سرانجام به جنوب چین رسیدند (Han & Chen, 2018: 2). مبادلات تجاری در این عصر به اوج خود رسید، اما قیام دهقانان و حمله به شهر گوانگژو منجر به فرار تجار عمانی گردید و در نتیجه روابط تجاری بین چین و عمان به تدریج کاهش یافت. پس از سال‌ها و در سلسله سونگ، تجارت با خارج از کشور از سوی دولت تشویق شد. در نتیجه روابط دوستانه چین و عمان از اواسط قرن دهم تا نیمه اول قرن دوازدهم بار دیگر رونق گرفت. از حدود سال ۸۵۰ پس از میلاد، شرح مفصلی از نحوه سفر بازرگانان عمانی به گوانگژو وجود دارد (Fulton, 2019). مشکل

جدی دیگر در دوران استعمار به وقوع پیوست. به دلیل تهاجم استعمارگران پرتغالی و تخریب شهرهای بندری عمان مانند مسقط و صحار و همچنین افزایش دزدی دریایی، روابط اقتصادی و تجارت دریایی بین دو کشور دچار اختلال شد (Han & Chen, 2018: 2). دوم، روابط رسمی دیپلماتیک که در سال ۱۹۷۸ برقرار شد. از زمان تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹ تا اواسط دهه ۱۹۶۰ دو کشور به روابط دو جانبه اهمیت چندانی ندادند اما نقطه عطف روابط آنها به دهه ۱۹۷۰ میلادی برمیگردد. تا قبل از دهه ۱۹۷۰ میلادی برخی اتفاقات بر روابط دو کشور اثرگذار بود. برای مثال در اواسط دهه ۱۹۵۰ شورش مذهبی در عمان رخ داد که فضای این کشور را ملتهب کرد. در اواسط دهه ۱۹۶۰، دولت عمان با چالش داخلی در استان ظفار از سوی جبهه آزادیبخش ظفاری دست و پنجه نرم می‌کرد و حمایت چین از این جنبش بر روابط دو کشور اثر منفی گذاشت. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، زمانی که چین با اتحاد جماهیر شوروی اتحاد داشت، عمان توسط چین دنباله‌رو غرب تلقی می‌شد. علاوه بر این، چین به خلیج فارس و شبه جزیره عربستان به عنوان میدان نبرد بالقوه برای راه‌اندازی انقلاب علیه امپریالیسم غربی می‌نگریست (Calabrese, 1990: 862-876). به همین دلیل حمایت‌های چین از قیام مسلحانه ظفار روابط دو کشور را دچار تیرگی کرد (Fulton, 2018).

در نهایت پس از فروکش کردن التهابات و سرکوب قیام ظفار، ارتباط دو کشور در ماه مه ۱۹۷۸، با برقراری روابط رسمی دیپلماتیک وارد مرحله جدیدی شد. در اوایل دهه ۱۹۸۰، چین به عمان به عنوان کشوری با منابع نفتی می‌نگریست. نیاز به تامین انرژی باعث شد چین در سال ۱۹۸۳ از عمان نفت وارد کند. به طوری که تا سال ۱۹۸۳، عمان اولین کشور عربی بود که به چین نفت صادر می‌کرد. چین در سال ۱۹۹۷ شروع به خرید گاز طبیعی عمان کرد (Chaziza, 2019: 46). چین و عمان از سال ۲۰۰۵ جلسات استراتژیک سالانه خود را برای گفتگو در مورد مسائل امنیتی بین‌المللی و منطقه‌ای متقابل برگزار کرده‌اند (Zulfikar, 2014). علاوه بر این، پس از تأسیس انجمن دوستی عمان و چین همکاری دوستانه در زمینه‌های فرهنگی و گردشگری تبادل علمی بین دو کشور تقویت شد (Oman Observer, 2017). همکاری‌های استراتژیک بین چین و عمان در طی سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۶ به طرز چشمگیری افزایش یافت (Legrenzi & Lawson, 2019: 2). در طول سال‌ها، همکاری‌ها در حوزه انرژی محور اصلی روابط چین و عمان بوده و تجارت نفت بر این روابط مسلط است، اما روابط دو کشور فراتر از بخش انرژی نیز گسترش یافته است. از این رو، در ماه مه ۲۰۱۸، در چهلمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک بین چین و عمان، رهبران دو کشور (شی جین پینگ و سلطان قابوس حاکم وقت عمان) با

تبادل پیام‌های تبریک، به طور مشترک مشارکت استراتژیک بین دو کشور را اعلام کردند. در همین راستا، دو کشور سند همکاری «ابتکار کمربند و جاده» را امضا کردند که بستری جدید برای همکاری دو کشور در زمینه‌های مختلف ایجاد کرده است (Chanda, 2020). چین و عمان علاوه بر همکاری‌های انرژی، روابط اقتصادی خود را از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری و پروژه‌های زیربنایی نیز گسترش داده‌اند به طوری که چین بزرگ‌ترین شریک تجاری عمان است و تجارت دو جانبه آنها در سال ۲۰۲۱ به ۲۷ میلیارد دلار رسید (OEC, 2023).

۴. سیاست خارجی چین بر اساس رئالیسم نئوکلاسیک

۱.۴. متغیر سطح سیستم

طبق نظریه رئالیسم نئوکلاسیک یکی از عواملی که بر نحوه سیاست‌گذاری و عمل سیاست خارجی بازیگران نظام بین‌الملل تاثیر می‌گذارد، فشارهای سیستمی ناشی از ساختار بین‌الملل است. به لحاظ تقسیم‌بندی قدرت در سطح سیستمی و در قبل از دوران دنگ شیائوپینگ، خاورمیانه تحت سلطه رقابت ابرقدرت‌ها بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی بود و فضای کمی برای کنشگری چین باقی می‌گذاشت. علاوه بر این، چین به‌عنوان یک قدرت کمونیستی جذابیتی برای نظام‌های سلطنتی محافظه-کار خاورمیانه ایجاد نمی‌کرد. در نتیجه، سیاست چین در قبال خاورمیانه در درجه اول شامل تلاش‌هایی برای متقاعد کردن دولت‌های خاورمیانه برای دست کشیدن از روابط با تایوان و به رسمیت شناختن جمهوری خلق چین بود. فراتر از این تلاش‌ها، از آنجایی که چین خاورمیانه را برای سرمایه‌گذاری بسیار دور می‌دانست عمداً نقش کم‌رنگی در منطقه ایفا می‌کرد (Liangxiang, 2005). پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان یافتن رقابت ابرقدرت‌ها، ایالات متحده تبدیل به قدرت مسلط جهان شد. در ابتدا مقامات چینی قدرت برتر آمریکا را نمی‌پذیرفتند اما هنگامی که بحران کوزوو رخ داد و ضعف روسیه برای مقابله با ایالات متحده آشکار شد، چین تک قطبی بودن نظام بین‌الملل را پذیرفت و تلاش کرد از طریق رویکرد موازنه داخلی با آمریکا به رقابت پردازد (عسگرخانی و قهرمانی، ۱۳۹۲: ۳۸). با استقرار نظام تک قطبی به نظر نمی‌رسید که هیچ کشوری با چین همکاری کند تا در برابر ایالات متحده موازنه‌ای به صورت اتحاد نظامی برقرار کنند؛ زیرا اختلاف قدرت در سطح نظام از چنین امری جلوگیری می‌کرد (دلاور و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۳). همان‌طور که رهبران چین و اکثریت محققان روابط بین‌الملل چین اذعان کرده‌اند، نظام تک قطبی برای توسعه چین سودمند بوده است (Sørensen, 2013:)

372). نظام تک قطبی بار اصلی تحویل کالاهای عمومی بین‌المللی را بر عهده گرفت و برای پکن این امکان را فراهم کرد که توجه و منابع خود را به امور داخلی و پس از آن به سمت تقویت نقش و نفوذ چین معطوف کند. مبنای استراتژی سیاست خارجی و امنیتی پکن با عنوان توسعه صلح‌آمیز از اواسط دهه ۱۹۹۰ بر این بوده است. در نتیجه در دهه ۱۹۹۰، پکن به دنبال تامین و ارتقای منافع، نفوذ و موقعیت خود در درون نظام تک قطبی بوده و از ایجاد تقابل با نظام بین‌الملل اجتناب کرد (Ibid: 372).

با ظهور بازیگران قدرتمند جدید و افول نسبی هژمونی ایالات متحده، تغییر و تحولات کلان نظام بین‌الملل شرایطی را به وجود آورده که از آن به عنوان «دوران گذار نظم بین‌الملل» نام برده می‌شود. به زعم جان مرشایمر اصول بنیادین نظم بین‌الملل در حال تغییر است و ترمیم آن امری دشوار می‌باشد (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۸). آنچه مشخص است گذار نظام بین‌الملل به یک نظم پسا تک قطبی است. برداشت چین از نظام بین‌الملل پسا تک قطبی، سیاست خارجی پکن را بر عمل‌گرایی، احتیاط و فرصت‌طلبی استوار کرده است. با افزایش قدرت چین، ایالات متحده به سمت سیاست مهار پکن پیش رفت. واشینگتن به طور جدی مدت‌ها است که استراتژی مهار چین را آغاز کرده و در سال‌های اخیر نیز با شدت بیشتری آن را دنبال می‌کند. پکن نیز آمریکا را «موازنه‌گر مجدد آسیا» و «منطقه هندو پاسیفیک» درک می‌کند که در تلاش برای مقابله با نفوذ ژئوپلیتیک رو به رشد چین است (Korolev, 2022).

تغییر تمرکز آمریکا به سمت هندو پاسیفیک، فضای مانور چین برای گسترش نفوذش در خاورمیانه را افزایش داد. نئوکلاسیک‌های تهاجمی مانند شوئر، بر این تأکید دارند که دولت‌ها در صدد بیشینه‌سازی نفوذ خود در محیط بین‌المللی هستند. بنابراین، نفوذ به عنوان جنبه‌ای از قدرت، ابزاری برای اهداف دیگر از جمله پرستیژ، سرزمین، خاک، امنیت یا اتحادها است. نفوذ با منابع و توانمندی‌های دولت‌ها پیوندی مستقیم دارد (اسدی، ۱۳۸۹: ۲۴۷). بنابراین، چین با بهره‌مندی از رشد اقتصادی و گسترش رویکرد توسعه‌محور در صدد افزایش نفوذ خود در جهان است و حضور در خاورمیانه به عنوان منطقه‌ای حیاتی برای این هدف به شمار می‌آید. چین بدون اینکه در درگیری‌های نظامی خاورمیانه دخالت کند به دنبال منافع اقتصادی و استراتژیک خود در منطقه است. رویکرد چین در خاورمیانه به دلیل نیاز این کشور به تامین انرژی، گسترش دامنه تجاری و افزایش نفوذ سیاسی و نظامی در منطقه است. از سوی دیگر، دوران گذار نظام بین‌الملل و کاهش حضور آمریکا در منطقه، سیاست خارجی قدرت‌های منطقه‌ای را با استقلال عمل بیشتری مواجه می‌سازد. یکی از مهم‌ترین تحولات ناشی از شرایط جدید خاورمیانه در روابط راهبردی آمریکا با متحدان سنتی آن رخ داده به طوری که آنها با

استقلال عمل بیشتری اهداف خود در منطقه را دنبال می‌کنند و به دنبال ائتلاف‌سازی‌های بدیلی در سیاست خارجی خود هستند (گل محمدی، ۱۴۰۰: ۷۶). در واقع، در دوران کاهش نفوذ آشکار آمریکا، دولت‌های خاورمیانه به چین به‌عنوان فرصتی برای تنوع بخشیدن به استراتژی‌هایشان نه تنها به لحاظ اقتصادی بلکه از نظر سیاسی نیز می‌نگرند (Lons, 2019). با تمرکز آمریکا بر شرق آسیا و افزایش حضور چین در منطقه خاورمیانه، کشورهای خاورمیانه تلاش کرده‌اند تا در روابط خود با آمریکا و چین موازنه‌سازی کنند. عمان از جمله کشورهای خاورمیانه است که از حضور رو به گسترش چین در منطقه و پتانسیل‌های اقتصادی آن استقبال کرده و منافع خود را با موازنه دو قدرت آمریکا و چین تامین می‌کند. به‌علاوه، عمان از حضور و سرمایه‌گذاری‌های هند در بنادر خود نیز استقبال کرده است (Crowther, 2018) که حاکی از این است که این کشور به روابط خود با چین و هند توازن بخشیده است. تلاقی منافع چین و عمان بر اساس درک از فرصت‌ها و محدودیت‌های نظام بین‌الملل روابط دو کشور را توسعه داده و عمان را از نظر استراتژیک و ژئوپلیتیکی برای چین به شریک جذابی تبدیل کرده است.

۲.۴. متغیر سطح داخلی

در چارچوب رئالیسم نئوکلاسیک در مورد پیوند بین رهبران دولت و جامعه، مدل «استخراج منابع» جفری دبلیو. تالیافرو از دولت مد نظر است که در آن به وجه قدرت دولت و عملکرد نهادهای سیاسی و نظامی و همچنین به توانایی رهبران دولت در بهره‌برداری از ناسیونالیسم و ایدئولوژی برای بسیج جامعه در حمایت از دولت می‌پردازد (Taliaferro, 2010: 464-495). در همین راستا برای تبیین عوامل داخلی سیاست خارجی چین به بررسی نقش برجسته رهبران و حزب کمونیست چین از طریق دو دسته عوامل می‌پردازیم: ۱- کسب مشروعیت از طریق عملکرد ۲- ترویج جهان‌بینی. اساساً مشروعیت حزب دارای دو رکن اصلی است، رفاه اقتصادی و مادی مردم و احساس قوی از هویت ملی منسجم. در مواقعی که ضمانت رفاه اقتصادی در معرض تهدید است، مشروعیت حزب از طریق تأکید بر عامل دوم، یعنی ترویج جهان‌بینی به منظور انسجام هویت ملی، تقویت می‌شود.

۱.۲.۴. کسب مشروعیت از طریق عملکرد

در مورد قدرت در حال رشدی مانند چین، حفظ مشروعیت داخلی یک اولویت اصلی برای رهبران دولت است، زیرا از آنجایی که دولت رشد اقتصاد قوی و نوسازی نظامی را تجربه می‌کند، جامعه نیز دستخوش تغییرات عمده‌ای مانند شهرنشینی گسترده و توسعه نابرابر جغرافیایی و اجتماعی است و حفظ کنترل سیاسی داخلی با تکیه بر زور و اجبار به تنهایی کارساز نخواهد بود (Sørensen, 2013: 372). چین امروزه با تقاضاها و انتظارات داخلی رو به رشدی روبه‌رو است که فضا را برای مانور در اجرای سیاست خارجی و امنیتی محدودتر می‌کند. از زمان شروع اصلاحات اقتصادی، مشروعیت عملکرد اولویت جدی‌تری نسبت به مشروعیت ایدئولوژیک رهبری چین پیدا کرده است. حزب باید به طور مداوم ثبات داخلی، رشد اقتصادی و رفاه رو به رشد و همچنین انتظارات فزاینده مردم در مورد نفوذ و موقعیت بین‌المللی چین را برآورده کند، چیزی که رهبری حزب به مردم چین وعده داده است (Ibid: 376). خاورمیانه منطقه مهمی برای منافع اقتصادی چین است، زیرا بازار بزرگ و متنوعی در اختیار چین قرار می‌دهد، منبع اصلی نفت و گاز است و موقعیت استراتژیکی برای طرح کمربند و جاده فراهم می‌کند.

۲.۲.۴. ترویج جهان‌بینی

در تلاش برای توضیح اقدامات حزب کمونیست چین، اغلب اهمیت درک جهان‌بینی چین نادیده گرفته می‌شود (Varrall, 2014: 1). جهان‌بینی چینی بر اساس میراث تاریخی شکل گرفته و به نوبه خود سیاست خارجی آن را شکل داده است. از امپراطورهای چین باستان گرفته تا رهبران حزب کمونیست معاصر، حاکمان چین دائماً نگران انسجام ملی و به تعبیر چینی «بی‌نظمی درونی و بلای بیرونی» (nei-luan wai-huan) هستند. نخبگان چینی تلاش کرده‌اند تا قدرت و اعتبار چین را در سطح بین‌المللی نشان دهند تا بتوانند مشروعیت خود را در داخل کشور تضمین کنند (French, 2017: 7). جهان‌بینی چینی مورد نظر حزب کمونیست به درجات مختلف به عنوان ابزاری برای حفظ یا تقویت مشروعیت و ترویج ناسیونالیسم استفاده می‌شود. البته جهان‌بینی چینی قدمت و ریشه عمیقی دارد و استفاده ابزاری حزب کمونیست جهت کسب و تقویت مشروعیت به آن معنا نیست که ارزش ذاتی ندارد (Varrall, 2014: 1). حزب کمونیست چین نیز از مکانیسم‌های اجتماعی‌سازی، به‌ویژه در سیستم آموزشی، برای القای پیام‌های اجتماعی و سیاسی در زندگی روزمره مردم استفاده می‌کند؛ روایت‌هایی که آنها برای

ترویج انتخاب می‌کنند، به مولفه‌هایی تبدیل می‌شوند که برخی از تبعات و اقدامات سیاست خارجی آن را می‌توان به وسیله آن توضیح داد (Brady, 2009: 434-457).

۳.۲.۴. نقش تاریخی

نقش تاریخی چین یکی از مهم‌ترین مولفه‌های شکل‌دهنده جهان‌بینی چینی در سیاست خارجی است. چینی‌ها تاریخ را شالوده حال و آینده می‌دانند. از نظرگاه تاریخیِ نخبگانِ چین، جایگاه این کشور به‌عنوان یک نهاد سیاسی واحد از سال ۲۱۱ پیش از میلاد تا اوایل قرن بیستم در مرکز نظم جهانی قرار داشت؛ جالب اینکه برای تعریف این مرکزیت هیچ واژه چینی وجود نداشت و از اصطلاح چین مرکزی به‌عنوان دستگاه خراج‌گذاری استفاده می‌شد (کیسنجر، ۱۳۹۸: ۲۵۲). در این دیدگاه چین به‌عنوان قدرتمندترین حکومت دنیا بر اساس یک نظم سلسله مراتبی در بخش مرکزی و متمدن جهان قرار داشت و دیگر جوامع شناخته شده نه از منظر حاکمیت مستقل بلکه از نظر نزدیکی به فرهنگ چین و ارتباط به لحاظ خراج‌گذاری در این نظم قرار داشتند؛ این نظم سلسله مراتبی تفاوت‌های ماهوی با نظم وستفالی در غرب دارد. نکته مهم دیگر این است که چینی‌ها معتقد بودند که از نظر فرهنگی بسیار برتر از دیگران هستند و بنابراین تلاش چین در نظم سلسله مراتبی برای وادار کردن دیگران به خراج‌گذاری بر خلاف غرب بر اساس تبلیغ مذهب و تغییر عقیده نبود. به عبارت دیگر گسترش امپراطوری چین نه از راه سلطه بلکه از طریق نفوذ و حلول بود (کیسنجر، ۱۳۹۸: ۲۵۵). سیاست خارجی امروز چین نیز بر مبنای این نگرش یعنی تلاش از طریق نفوذ و حلول و نه از مسیر سلطه قابل درک است. با این حال به علت غفلت در نوسازی فناوری‌های نظامی، سلسله چینگ دچار افول شد و در نهایت سلسله امپراطوری در سال ۱۹۱۱ سقوط کرد. چینی‌ها پیشرفت سریع خود از اواخر سال ۱۹۷۸ را نه ظهور بلکه بازگشت به شکوه پیشین می‌دانند و عمیقاً معتقد هستند که این کشور در طول تاریخ یک ابرقدرت مسلط بوده است (Varrall, 2014: 1). این سابقه تاریخی تأثیر عمیقی بر تصویر رهبران چین به‌ویژه شی جین‌پینگ از نظم بین‌المللی گذاشته است. مفهوم تیانکسیا (Tianxia) که می‌تواند به‌عنوان «همه چیز زیر آسمان» ترجمه شود، بر این نظم تأکید داشت؛ نظمی چین محور که در آن چین قدرت غالب در شرق آسیای باستان بود (French, 2017: 4). بر اساس این دیدگاه، چین در گذشته یک بازیگر قدرتمند، مورد احترام و صلح‌طلب جهانی بوده و بار دیگر نقش خود را در آینده باز خواهد یافت. این ایده در اظهارات رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۲ درباره «رویای چین» منعکس شده است:

«از نظر من، تحقق تجدید بزرگ ملت چین، بزرگ‌ترین رویا برای ملت چین در تاریخ مدرن است. رویای چین آرزوی دیرینه چندین نسل از مردم چین را در هم آمیخته است، منافع کلی ملت چین و مردم چین را نمایندگی می‌کند و انتظار مشترک هر چینی بوده است» (Kojima, 2015: 50).

در فرایند بازیابی نقش تاریخی چین خاورمیانه از موقعیت استراتژیک مهمی در سیاست، اقتصاد و امور نظامی جهانی برخوردار است و به‌عنوان یک مرکز محوری برای پیشبرد طرح کمربند و جاده (BRI) از طریق مسیرهای زمینی و دریایی عمل می‌کند به گونه‌ای که از زمان پیشنهاد BRI، همکاری چین با کشورهای خاورمیانه به طور پیوسته عمیق‌تر شده است.

۱.۳.۲.۴. قرن تحقیر

این اصطلاح به طور گسترده در میان سیاست‌گذاران چینی برای توصیف تضعیف نقش مرکزی چین در امور جهانی به واسطه تهاجمات غرب در طی جنگ‌های تریاک در دهه ۱۸۴۰، جنگ آپوم، جنگ‌های ژاپن و چین، نابرابری‌های تجاری و غارت منابع طبیعی چین استفاده می‌شود. به اعتقاد یک نویسنده، تاریخ از دیدگاه چینی‌ها به دو قسمت «تا جنگ تریاک» و «پس از جنگ تریاک» تقسیم می‌شود (Harris, 1959: 162). چینی‌ها اغلب از روایت‌های تحقیرآمیز به‌عنوان نقطه شروعی برای بحث‌های خود در مورد چگونگی تعامل چین با سایر کشورها استفاده می‌کنند. این دوره باعث شد که چین از یک قدرت جهانی به یک کشور ضعیف و فقیر تبدیل شود. بسیاری از چینی‌ها این سال‌ها را به‌عنوان دوره رسوایی تاریخی و خواری ملی در نظر می‌گیرند. قرن تحقیر به‌عنوان یک روایت در ۲۵ سال گذشته توسط حزب پرورش یافته و به‌عنوان یک انگیزه برای بازسازی قدرت و افتخار چین مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به‌ویژه از زمان کارزار آموزش میهن‌پرستانه در اوایل دهه ۱۹۹۰، که پس از رویارویی خشونت‌آمیز با معترضان در میدان تیان آن من در سال ۱۹۸۹ پدیدار شد، حزب بر روایت تحقیر و قربانی تأکید کرده که مقصر رنج چین را غرب معرفی می‌کند (Varrall, 2014: 1).

۴.۲.۴. ویژگی‌های فرهنگی

این مولفه تأکید دارد که برخی ویژگی‌های فرهنگی چین ذاتی و تغییرناپذیر هستند. در جهان‌بینی چینی ویژگی صلح‌طلبی بودن و پرهیز از توسعه‌طلب تهاجمی توسط یک ویژگی ذاتی است که بر نحوه ارتباط چین با جهان تأثیر می‌گذارد. بر این اساس ادعا می‌شود که چین سابقه طولانی در پیگیری صلح

و هماهنگی، چه در داخل و چه در خارج، بر اساس فلسفه کنفوسیوسی خود دارد. چین به دنبال تسلط یا دخالت در سایر کشورها نیست بلکه همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری را مد نظر قرار داده است (Dessein, 2019: 179-180). مفهوم صلح‌طلبی ذاتی چین تأکیدی است بر تضاد با مفهوم غربی صلح که بیشتر مبتنی بر فقدان جنگ و درگیری از طریق حفظ موازنه قدرت است (The Economist, 2023). همچنین استدلال می‌شود که چون چین در گذشته چنین رفتاری داشته، می‌توان انتظار داشت که در آینده نیز به همین شکل عمل کند. شی جین پینگ در سخنرانی‌های خود بر مفهوم صلح تأکید بسیاری دارد. به‌عنوان مثال وی در سخنرانی آوریل خود در سال ۲۰۱۴ در آلمان ۱۲ بار از واژه صلح استفاده کرد. وی در دو سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۵ و در مراسم جشن صدمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست چین در ۱ ژوئیه ۲۰۲۱، از اصطلاح «صلح‌طلبی ذاتی چین» به‌عنوان ابزاری برای معرفی چین به‌عنوان یک بازیگر مسئول و صلح‌طلب جهانی استفاده کرده که به قانون و نظم بین‌المللی احترام می‌گذارد و به دنبال توسعه و همکاری مشترک با سایر کشورها است. او همچنین با انتقاد از تاریخ استعمار و امپریالیسم غربی، معتقد است توسعه چین اساسا مسالمت‌آمیز است و تهدیدی برای صلح و ثبات جهانی نیست، بلکه به پیشرفت و رفاه بشر کمک می‌کند.

مجموعه متغیرهای داخلی چین به‌عنوان منابعی عمدتا پایدار در شکل‌گیری سیاست خاورمیانه‌ای چین تاثیر قابل ملاحظه‌ای دارند. چین تلاش می‌کند تا در روابط خود با کشورهای خاورمیانه بر اساس احترام متقابل و عدم مداخله و همچنین دوری از جانبداری از طرفین منازعات - بر اساس مفهوم صلح‌طلبی ذاتی چینی - رفتار نماید. چین با اکثر کشورهای منطقه و تقریبا با تمامی رقبای منطقه‌ای و طرفین منازعات روابط قوی ایجاد کرده است. پکن تحت تاثیر نقش تاریخی خود مشارکت‌های استراتژیک و توافقات اقتصادی با همه طرف‌ها از جمله ایران، عربستان، اسرائیل و ترکیه ایجاد کرده است. رویکرد غیر مداخله‌گرایانه چین نیز برای کشورهای منطقه جذاب است به طوری که روابط رو به رشد خود با پکن را به‌عنوان ابزاری برای تنوع‌بخشی در سیاست خارجی خود در نظر می‌گیرند. چشم‌انداز این روابط فراتر از منابع انرژی سنتی گسترش یافته و ملاحظات اقتصادی، ژئوپلیتیکی و استراتژیک را در بر می‌گیرد.

۵. جایگاه عمان در سیاست خاورمیانه‌ای چین بر اساس عوامل سیستمی و داخلی

در حالی که متغیر سیستمی تنها متغیری نیست که سیاست خارجی چین را شکل می‌دهد، وقتی با سایر عوامل داخلی موثر مانند ادراک رهبران، نقش حزب کمونیست و جهان‌بینی چینی نظیر تلقی از نقش تاریخی چین، ویژگی‌های فرهنگی ثابت نظیر صلح طلب بودن و یک قرن تحقیر در نظر گرفته شوند، تصویر دقیق‌تری برای اهداف و جاه‌طلبی‌های چین در خاورمیانه ارائه می‌کنند. سیاست پکن در قبال عمان بخشی از سیاست کلی آن در خلیج فارس و خاورمیانه است که به نوبه خود بخشی از سیاست خارجی چین در سطح جهانی است (Chaziza, 2019: 47). اساساً سیاست خارجی چین در خاورمیانه و جایگاه عمان در آن چند وجهی و مبتنی بر یک مجموعه اهداف کلیدی است که با ترکیب متغیر سطح سیستم و عوامل داخلی، امکان تبیین روشن‌تری به دست می‌دهد. در همین راستا جایگاه محوری عمان برای سیاست خارجی خاورمیانه‌ای چین بیش از همه به ویژگی‌های خاص ژئوپلیتیکی عمان برمی‌گردد که این مسئله خود را در اهدافی نظیر تامین امنیت انرژی و تضمین واردات نفت، همکاری اقتصادی و مشارکت استراتژیک در چارچوب طرح ابتکار کمربند و جاده، همکاری‌های نظامی و امنیتی نشان می‌دهد.

۱.۵. انرژی: نیاز متقابل چین و عمان

با وجود تلاش پکن برای جستجوی منابع انرژی جایگزین در نقاط مختلف جهان، مانند آسیای مرکزی یا آفریقا، وابستگی آن به نفت خاورمیانه در طول زمان افزایش یافته است. تقاضای عظیم انرژی چین به طور طبیعی هسته اصلی روابط تجاری با کشورهای خاورمیانه است. خاورمیانه بزرگ‌ترین تامین‌کننده نفت و گاز چین است. به‌ویژه، این منطقه نزدیک به نیمی از واردات نفت چین را به خود اختصاص داده است که آن را برای امنیت انرژی پکن حیاتی می‌کند (Zambelis, 2015: 11-12). اتکای چین به انرژی و نفت خاورمیانه را می‌توان از طریق هر دو متغیر سطح سیستم و عوامل داخلی توضیح داد: اول، چین به‌عنوان یک قدرت در حال رشد، برای حفظ رشد اقتصادی و مدرن‌سازی نظامی خود در رقابت با ابرقدرت‌ها باید تامین انرژی خود را تضمین کند. دوم، انرژی خاورمیانه برای توسعه داخلی و تداوم رشد اقتصادی به منظور حفظ مشروعیت داخلی، ثبات سیاسی و ایده بازخیزش چین مطابق با نقش تاریخی آن دارای اهمیت است.

عمان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت و گاز طبیعی در خاورمیانه خارج از سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) است و از اوایل دهه ۱۹۸۰، اولین کشور عرب و عضو شورای همکاری خلیج فارس بود که نفت را مستقیماً به چین صادر کرد (Zambelis, 2015: 13). در طول سال‌ها، انرژی محور اصلی همکاری بوده به طوری که چین بزرگ‌ترین واردکننده نفت عمان است و بیش از ۹۷ درصد نفت عمان به شرق آسیا و حدود چهار پنجم صادرات عمان به چین می‌رود (The Diplomat, 2014). علاوه بر این، حفظ جریان پایدار انرژی خاورمیانه برای چین به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی در جهان یک نگرانی اساسی است. عمان همراه با ایران بر تنگه هرمز به‌عنوان گلوگاه مهم خلیج فارس نظارت می‌کند و در عین حال به واسطه مرزهای دریایی در اقیانوس هند تحت تاثیر این محدودیت قرار نمی‌گیرد. این جغرافیای ممتاز، موقعیت استراتژیک عمان را از نظر حفظ امنیت جریان انرژی برای چین بسیار مهم می‌کند (Han, & Chen, 2018: 2). اتکای فزاینده پکن به واردات نفت از خاورمیانه دلیلی حیاتی برای سرمایه‌گذاری گسترده این کشور در ابتکار کمربند و جاده نیز محسوب می‌شود. سرمایه‌گذاری در بنادر عمان و توسعه خطوط لوله، با دسترسی دریایی رو به رشد و تسهیلات پشتیبانی برای کمک به حفاظت از امنیت انرژی چین مرتبط هستند. این موضوع همچنین یک محرک قدرتمند برای توسعه دریایی چین در اقیانوس هند و توسعه روابط دیپلماتیک با کشورهای ساحلی در این اقیانوس است. فروش نفت عمان به چین همچنان برای اقتصاد هر دو کشور و تلاقی منافع آنها مهم است. اقتصاد عمان به شدت به فروش نفت وابسته است. نفت و گاز ۷۰ درصد از کل درآمد و ۶۰ درصد از صادرات را تشکیل می‌دهند. پیش‌بینی می‌شود ذخایر فعلی نفت و گاز عمان در کمتر از دو دهه تمام شود و این چالشی جدی برای توسعه و ثبات آن است (Abouzzohour, 2021). وابستگی زیاد عمان به درآمد نفت و در نتیجه آسیب‌پذیری برابر نوسانات قیمت و تقاضای جهانی نفت، انگیزه مهمی برای متنوع‌سازی اقتصاد و گسترش روابط با چین است.

۲.۵. موقعیت استراتژیک عمان در ابتکار کمربند و جاده

ابتکار کمربند و جاده یک پروژه پیچیده و چند وجهی است که از منابع مختلفی نظیر ملاحظات ژئوپلیتیکی و رقابت‌طلبی در سطح نظام بین‌الملل و عوامل موثر داخلی همچون جهان‌بینی چینی بر پایه سابقه تاریخی شکوهمند، منافع اقتصادی و ارزش‌های فرهنگی الهام می‌گیرد. زیربنای فکری ابتکار کمربند و جاده به مفهوم تیانکسیا برمی‌گردد و هدف آن ایجاد نظامی مانند نظم خراج‌گذاری در تاریخ ماقبل قرن نوزدهم است که نه از طریق اقدامات رادیکال و تجدیدنظرطلبانه بلکه از طریق نفوذ و توسعه

اقتصادی مستمر قابل درک است. این ابتکار به عنوان راهی برای چین در نظر گرفته می شود تا نقش و جایگاه محوری خود را به عنوان یک قدرت ثروتمند، قوی و مسئول در مرکز شبکه وابستگی متقابل اقتصادی جهانی از سر بگیرد (Varrall, 2014: 1). بر اساس برخی محاسبات، سرمایه گذاری در این طرح تا سال ۲۰۲۷ به ۱.۳ تریلیون دلار می رسد (Mason, 2021). ابتکار کمربند و جاده شامل دو طرح جدایی ناپذیر است، اولی کمربند اقتصادی جاده ابریشم (SREB) که چین را با آسیای مرکزی، خاورمیانه و اروپا پیوند می دهد و دومی ابتکار راه ابریشم دریایی (MSRI) قرن بیست و یکم است که مسیرهای تجاری دریایی آفریقا، اروپا، اقیانوسیه و آسیای جنوبی و جنوب شرقی را متحد می کند (Chaziza, 2019: 51). عمان دارای سهم اقتصادی و ژئوپلیتیکی بالایی در کریدور اقتصادی دریایی برنامه ریزی شده پکن است. موقعیت ممتاز عمان این کشور را در قطب ترافیکی سه قاره (شبه قاره آسیای جنوبی، غرب آسیا و شرق آفریقا) و سه دریا (دریای عرب، دریای سرخ و اقیانوس هند) قرار داده است. عمان در نقطه تلاقی جاده ابریشم دریایی و جاده ابریشم زمینی قرار دارد. علاوه بر این، عمان با در اختیار داشتن بسیاری از بندرهای فعال، به مسیر حیاتی تجارت تبدیل و اروپا را به آسیا متصل می کند، مسیری که در حال حاضر بیش از ۴۰ درصد از محموله های نفت صادراتی جهان از آن عبور می کند (Han & Chen, 2018: 2). پس از طرح ابتکار کمربند و جاده توسط چین، دولت عمان به شدت از این ابتکار حمایت کرد تا همکاری های اقتصادی و تجاری تعمیق شود. چین با کمک عمان می تواند به مدیریت و کنترل موثر بر جریان نیازهای انرژی خود دست یابد و بازار و مسیرهای تجاری جدیدی را باز کند، زیرا MSRI اقتصادهای منطقه را به مناطق جنوب شرقی و شرق آسیا متصل می کند (Chaziza, 2019: 51). عمان سه بندر اقیانوسی و پنج فرودگاه بین المللی و همچنین زیرساخت های حمل و نقل مناسبی را ارائه می دهد، از همین رو چین علاقه خاصی به توسعه بنادر اقیانوسی دقم، صحار و سور در عمان دارد. چین در حال حاضر به میزان ۱۰.۷ میلیارد دلار برای توسعه بندر دقم در دریای عرب و توسعه زیرساخت های صنایع استخراجی اطراف آن و یک شهر صنعتی جدید سرمایه گذاری زیادی کرده است (Townsend, 2017). این بندر یک پایگاه عملیاتی به منظور دسترسی به بازارهای صادراتی در خلیج فارس، شبه قاره هند و شرق آفریقا است. از طریق بندر دقم، عمان می تواند با همکاری سرمایه گذاری های چینی به یک مرکز پالایشگاه نفت برای منطقه خلیج فارس تبدیل شود. در این فرایند، سلطان نشین عمان به یک حلقه اصلی در MSRI تبدیل خواهد شد و حضور چین در این بندر کلیدی به پکن مزیت رقابتی نسبت به رقبای خود، به ویژه هند، در خصوص مدیریت فرایند جمع آوری، ذخیره و انتقال منابع

(لجستیک) در منطقه خواهد داد (Cafiero, 2017). علاوه بر این چین تلاش دارد تا از طریق اتصال بنادر مهم عمان به بندر گوادر پاکستان و تقویت کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC)، استان سین کیانگ و منطقه غربی محصور در خشکی خود را به روی دریای عرب باز کند. موقعیت استراتژیک عمان، چین را قادر می‌سازد تا از نفوذ ژئوپلیتیک خود در سراسر اقیانوس هند، مرکز جدید گرانش ژئوپلیتیکی جهان استفاده کند. این اقیانوس به مرکز جهانی تجارت و جریان انرژی تبدیل شده که نیمی از ترافیک کانتینری جهان و ۷۰ درصد از محموله‌های نفتی آن را به خود اختصاص داده است.

۳.۵. همکاری‌های نظامی و امنیتی

پکن خاورمیانه را عرصه رقابت قدرت‌های بزرگ می‌داند که در آن قدرت رو به رشدی مانند چین باید به‌عنوان یک بازیگر برجسته در نظر گرفته شود. سیاست خارجی چین در خاورمیانه تحت تأثیر درک این کشور از نظام بین‌الملل و رقابتش با آمریکا در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی و تا حدی با هند در سطح منطقه‌ای است. چین قدرت و نفوذ آمریکا در منطقه را رو به افول می‌بیند، اما نمی‌خواهد درگیری مستقیم با واشینگتن را تحریک کند. در مقابل، سعی می‌کند خود را به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد و بی‌طرف برای کشورهای منطقه نشان دهد. مشارکت استراتژیک چین و عمان در حوزه نظامی و امنیتی عمدتاً در سال ۲۰۱۸ ایجاد شد. چین و عمان در زمینه‌هایی مانند تجهیزات، آموزش پرسنل، تمرینات مشترک، پشتیبانی لجستیک و فناوری نظامی همکاری عملی انجام داده‌اند. وزیر دفاع چین «وی فنگه» در آوریل ۲۰۲۲ از عمان بازدید کرد و متعهد شد که روابط نظامی دو کشور بیشتر تقویت شود (Middle East Eye, 2022). مطابق آرمان‌های ترسیم شده توسط وزارت دفاع چین، اهداف این کشور تمرکز بیشتر بر دریاها، شامل نقش گسترده‌تر فراتر از حیط خلوت دریایی آن است (China's Military Strategy, 2015). از این رو، تأسیسات چین در بندر استراتژیک دقم در عمان در دریای عرب برای استفاده نظامی و پشتیبانی لجستیک در دسترس خواهد بود. همکاری نظامی نفوذ چین را فراتر از شبه جزیره عربستان و خلیج فارس به سواحل شرق آفریقا و گوادر در بلوچستان در پاکستان مدرن گسترش می‌دهد، یعنی بر همه مناطقی که باید توسط جاده ابریشم دریایی به هم متصل شوند و همزمان بر شاهراه تجارت نفت نظارت صورت گیرد. ایفای نقش نظامی گسترده‌تر چین در خاورمیانه و به‌ویژه همکاری نزدیک نظامی با عمان همچنین به مدیریت ریسک مربوط به تغییرات قدرت در منطقه خاورمیانه مربوط می‌شود. هدف چین از این همکاری، تامین منافع انرژی خود در خاورمیانه، به‌ویژه در نزدیکی تنگه هرمز است که یک نقطه انسداد حیاتی برای حمل و نقل نفت می‌باشد که همواره با

خطر اختلال یا محاصره دیگر قدرت‌ها مواجه است. سرمایه‌گذاری گسترده چین در بنادر و زیرساخت-های انرژی در عمان، مانند پارک چین-عمانی در منطقه دقم و خط لوله نفت حبشان-فجیره، دقیقاً با هدف امکان دور زدن تنگه هرمز و تنوع بخشیدن به منابع انرژی خود ایجاد شده است. چین همچنین به دنبال ایجاد پایگاه نظامی برون مرزی یا نقطه قوت استراتژیک دیگری در عمان، به تبعیت از مدل جیبوتی، برای تقویت حضور دریایی خود و حفاظت از مسیرهای تجاری خود است.

فعالیت دریایی فزاینده چین در اقیانوس هند، توجه دولت هند را به خود جلب کرد و منجر به تفاهم-نامه‌ای متقابل شد که در آن عمان موافقت کرد که به کشتی‌های جنگی هند اجازه دهد تا به منظور تامین نیازها و نگهداری‌های لازم در بندر دقم پهلو بگیرند (Legrenzi & Lawson, 2019: 361-366).

نتیجه

منطقه خاورمیانه به‌عنوان یکی از مناطق حساس و مهم جهان همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. این منطقه برای قدرت در حال ظهوری چون چین نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از کشورهایی که در سیاست خاورمیانه‌ای چین برجسته است، کشور عمان با موقعیت استراتژیک منحصر به فرد است. عمان یکی از قدیمی‌ترین و قابل اعتمادترین شرکای چین در خاورمیانه است. دو کشور در سال ۱۹۷۸ روابط دیپلماتیک برقرار کردند و همکاری نزدیک خود را در زمینه‌های مختلف به‌ویژه در انرژی، تجارت و زیرساخت‌ها حفظ کردند. عمان اولین کشور عربی بود که در سال ۱۹۸۳ نفت به چین صادر کرد و اکنون از مهم‌ترین شرکای تجاری چین در منطقه است. عمان همچنین از طرح کمربند و جاده چین حمایت می‌کند و میزبان پایگاه نظامی چین در خارج از کشور است.

بر اساس چارچوب رئالیستی نئوکلاسیک، روابط رو به گسترش چین با عمان تحت تأثیر متغیر سطح سیستم و عوامل داخلی است. در سطح سیستم، کاهش حضور ایالات متحده در منطقه خاورمیانه و نیز نیاز چین به دسترسی به منابع انرژی و بازارها برای رشد اقتصادی‌اش و همچنین حفاظت از منافع استراتژیکش، محرکه‌ای مهم برای برجسته کردن جایگاه عمان در سیاست خاورمیانه‌ای چین است.

توأم با آن، در سطح داخلی نیز عوامل داخلی از جمله اهمیت عملکرد حزب کمونیست چین به منظور پاسخگویی به مردم چین از نظر اقتصادی و دوم، جهان‌بینی چینی با سه ویژگی، نقش تاریخی چین، مسئله قرن تحقیر و ویژگی‌های فرهنگی با تأکید بر موضوعات انرژی، ابتکار کمربند و جاده و همکاری‌های نظامی بر جایگاه عمان در سیاست خارجی چین اثرگذار بوده است. چین با عمان در چندین پروژه بزرگ مانند منطقه ویژه اقتصادی دوقم، بندر صنعتی صحار و پارک صنعتی عمان و چین

سرمایه‌گذاری کرده است. هدف این پروژه‌ها افزایش تنوع اقتصادی، صنعتی شدن و ارتباط عمان با سایر بازارها است. چین همچنین به عمان کمک‌های پزشکی، مبادلات فرهنگی و آموزش نظامی ارائه می‌دهد. عمان کشوری با ثبات و بی‌طرف در منطقه‌ای ناآرام است و با موقعیت استراتژیک خود دسترسی چین به اقیانوس هند و خلیج عمان را فراهم می‌کند. عمان همچنین امنیت دریایی و عملیات ضد دزدی دریایی چین را در منطقه تسهیل می‌کند. عمان یک متحد ارزشمند و قابل اعتماد برای چین در خاورمیانه است و نقش کلیدی در اهداف سیاست خارجی چین در منطقه و فراتر از آن دارد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- اسدی، علی اکبر (۱۳۸۹)، «رنالیسم و رویکردهای رقیب به سیاست خارجی»، راهبرد شماره ۵۶، ۲۲۳-۲۵۲.
- ۲- دلاور، حسین؛ محسن اسلامی و سید مسعود موسوی شفا (۱۴۰۱)، «موازنه‌سازی نرم چینی و مشارکت اقتصادی در بریکس»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۱۱ شماره ۱، شماره پیاپی ۲۱، ۱۴۳-۱۶۷.
- ۳- عسگرخانی، ابومحمد و محمدجواد قهرمانی (۱۳۹۲)، «افزایش قدرت چین و واکنش ایالات متحده و هند در برابر آن»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ۳۵-۵۳.
- ۴- کریمی حمیدرضا و همکاران (۱۴۰۱)، «پویایی‌های نظم در سطح جهانی-منطقه‌ای و دگرپرسی نقش کنشگران منطقه‌ای خلیج فارس (مطالعه موردی: امارات متحده عربی)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هجدهم، شماره دوم. ۵۷-۸۷.
- ۵- کیسینجر، هنری (۱۳۹۸)، نظم جهانی تأملی در ویژگی ملت‌ها و جریان تاریخ، مترجم محمد تقی حسینی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- ۶- گل محمدی، ولی (۱۴۰۰)، «گذار به نظام بین‌الملل پسا آمریکایی و تحول در روابط راهبردی آمریکا با متحدان خاورمیانه‌ای (مطالعه موردی ترکیه)»، مطالعات راهبردی آمریکا، سال ۱ شماره ۱، ۷۵-۹۶.
- ۷- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۶)، مبانی نظری تبیین و تحلیل سیاست خارجی، نشر سمت.

منابع غیر فارسی

- 1- Abouzzohour, Yasmina, (2021), "One year into his reign, Oman's sultan must renegotiate the social contract and prioritize diversification", Retrieved from: Brookings, <https://www.brookings.edu/articles/one-year-into-his-reign-omans-sultan-must-renegotiate-the-social-contract-and-prioritize-diversification/>
- 2- Brady, Anne-Marie (2009), "Mass Persuasion as a Means of Legitimation and China's Popular Authoritarianism," American Behavioral Scientist 53, No 3 (2009), 434-457
- 3- Cafiero, G. (2017), "Why China's investment in Oman matters. The New Arab" Retrieved from: <https://www.alaraby.co.uk/english/comment/2017/10/17/why-chinasinvestment-in-oman-matters>
- 4- Calabrese, John (1990), "From Flyswatters to Silkworms: The Evolution of China's Role in West Asia". Asian Survey 1 September 1990; 30 (9): 862-876.

- 5- Chanda, Amit (2020), "China-Oman ties to scale greater heights: Chinese envoy", Retrieved from: <https://news.cgtn.com/news/2020-09-28/China-Oman-ties-to-scale-greater-heights-Chinese-envoy-U9MYTJPMxG/index.html>
- 6- Chaziza, M. (2019), The Significant Role of Oman in China's Maritime Silk Road Initiative. *Contemporary Review of the Middle East*, 6(1), 44–57.
- 7- China's Military Strategy (2015), Retrieved from: https://english.www.gov.cn/archive/white_paper/2015/05/27/content_281475115610833.htm
- 8- Crowther Stephen (2018), "Once Oman a Time: A Tale of India Escaping China's "String of Pearls?", Institute for Security and Development Policy, 2018. Retrieved from: <https://isdpr.eu/oman-china-india-vying-for-influence/>
- 9- Dessein, Bart. (2019,) "Pacifism, and China's Peaceful Rise and Peaceful Development". In: Kustermans, J., Sauer, T., Lootens, D., Segaert, B. (eds) *Pacifism's Appeal. Rethinking Peace and Conflict Studies*. Palgrave Macmillan
- 10- Feng, Liu & Ruizhuang, Zhang (2006), "The Typologies of Realism" *The Chinese Journal of International Politics*, 1(1), 109–134.
- 11- Fulton, Jonathan. (2018) "China's Relations with the Gulf Monarchies" Routledge & CRC Press
- 12- Harris, Richard (1959), "China and the World" *International Affairs* (Royal Institute of International Affairs 1944-), 35(2), 161–169.
- 13- Han, Z., & Chen, X. (2018), Historical exchanges and future cooperation between China and Oman under the "Belt & Road" initiative. *Journal of Politics and Law*, 11(1), 1-12.
- 14- Howard W. French, (2017), *Everything Under the Heavens: How the Past Helps Shape China's Push for Global Power*, Vintage Books (A Division of Penguin Random House LLC), New York,
- 15- Kazuko Kojima, (2015), "The Ideology of the Chinese Communist Party," in *Handbook of the Politics of China*, ed David SG Goodman (Cheltenham, Glos: Edward Elgar Publishing Limited,)
- 16- Kenneth N. Waltz, (2001), *Man, the State, and War*, New York: Columbia University Press
- 17- Korolev, Alexander (2022), "Why China won't condemn Putin's Ukraine war", *EASTASIAFORUM*, Retrieved from: <https://www.eastasiaforum.org/2022/04/20/why-china-wont-condemn-putins-ukraine-war/>
- 18- Liangxiang, J. (2005), 'Energy First: China and the Middle East,' *Middle East Quarterly*, vol. 12, no. 2, pp. 3–10
- 19- Lons Camille, Fulton Jonathan, Sun Degang, Al-Tamimi Naser (2019), "China's great game in the Middle East", *ECFR*. Retrieved from: https://ecfr.eu/publication/china_great_game_middle_east/
- 20- Mason, Robert (2021), "Is the Sky the Limit to the China-Gulf Partnership?" *The Arab Gulf States Institute in Washington*, March 12, 2021, retrieved from: <https://agsi.org/is-the-sky-the-limit-to-the-china-gulf-partnership/>.
- 21- Matteo Legrenzi & Fred H. Lawson (2019), China-Oman relations and the Indian Ocean security dilemma, *Global Change, Peace & Security*, 31:3, 361-366,
- 22- Middle East Eye, China's defense minister visits Oman as Beijing eyes foothold in Arabian Sea. (2022). *Middle East Eye*. Retrieved from: <https://www.middleeasteye.net/news/oman-china-defence-minister-visit-bolster-strategic-military-cooperation>
- 23- Oman Observer (2017), Oman-China friendship group signs MoU. December 29, 2017, Retrieved from: <http://www.omanobserver.om/oman-china-friendship-group-signs-mou/>

- 24- OEC, China (CHN) and Oman (OMN) trade, the Observatory of Economic Complexity (2023). Retrieved from: <https://oec.world/en/profile/bilateral-country/chn/partner/omn>
- 25- President Xi's speech at the College of Europe - China.org.cn, Retrieved from: http://www.china.org.cn/world/2014-04/04/content_32004856.htm
- 26- Ripsman, Norrin M. (2017), Neoclassical Realism. Oxford Research Encyclopedia of International Studies. Retrieved 16 Sep. 2023, from <https://oxfordre.com/internationalstudies/view/10.1093/acrefore/9780190846626.001.0001/acrefore-9780190846626-e-36>.
- 27- Rose, Gideon. (1998), "Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy." World Politics, vol. 51, no. 1, 1998, pp. 144–72.
- 28- Sørensen, Camilla T. N. (2013), "Is China Becoming More Aggressive? A Neoclassical Realist Analysis". Asian Perspective, 37(3), 363–385.
- 29- Taliaferro, Jeffrey W. (2010), "State Building for Future Wars: Neoclassical Realism and the Resource-Extractive State", Security Studies, 15:3, 464-495
- 30- The Economist. (2023), "China's latest attempt to rally the world against Western values". <https://www.economist.com/china/2023/04/27/chinas-latest-attempt-to-rally-the-world-against-western-values>
- 31- The Diplomat (2014), "Exploring the China and Oman Relationshi" , Retrieved from: <https://thediplomat.com/2014/05/exploring-the-china-and-oman-relationship/>
- 32- Townsend, Sarah (2017), "Oman 'to look east' to China, India for future investment" Arabian Business. Retrieved from: <http://www.arabianbusiness.com/industries/banking-finance/380125-oman-to-look-east-to-china-india-for-future-investment>
- 33- Varrall, Merriden (2014), Chinese worldviews and China's foreign policy (Lowy Institute Analysis). Retrieved from: <https://www.lowyinstitute.org/sites/default/files/chinese-worldviews-chinas-foreign-policy.pdf>
- 34- Zambelis Chris. (2015), "China and the Quiet Kingdom: An assessment of China-Oman relations" China Brief, XV (22), 11–15.
- 35- Zulfikar Rakhmat, M. (2014), Exploring the China and Oman Relationship, THE DIPLOMAT, Retrieved from: <https://thediplomat.com/2014/05/exploring-the-china-and-oman-relationship/>.